

ارتباط نگرش مذهبی و رابطه پدر فرزند با سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و

عادی شهر تهران

دکتر محمد خدایاری فرد

دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

چکیده

یکی از پیامدهای جنگ مجروحانی هستند که دچار صدمات جسمی، روانی و عاطفی شده‌اند که به نوبه خود می‌تواند مشکلات روانی و رفتاری متعددی برای فرد جانباز و اعضای خانواده وی به وجود آورد. از این‌رو، بررسی و شناسایی عوامل مرتبط با سازگاری اجتماعی آنان به منظور تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب واجد اهمیت است. هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین ارتباط نگرش مذهبی و رابطه پدر-فرزند با سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و عادی شهر تهران می‌باشد. روش پژوهش پس‌رویدادی است و جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر و پسر خانواده‌های جانبازان و عادی سال‌های اول تا سوم دبیرستان شهر تهران بود. نمونه آماری ۴۸۰ دانش‌آموز را در بر می‌گرفت که ۲۴۰ نفر متعلق به خانواده‌های جانبازان و ۲۴۰ نفر نیز مربوط به خانواده‌های عادی بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از مناطق شمال، جنوب، مرکز، غرب و شرق تهران انتخاب شدند. ابزار سنجش این پژوهش پرسشنامه‌های نحوه ارتباط پدر - فرزند، بخش سازگاری اجتماعی پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا، و پرسشنامه نگرش مذهبی بود. در این پژوهش علاوه بر آمار توصیفی از آمار استنباطی و رگرسیون چندگانه نیز استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که بین نگرش مذهبی و رابطه پدر-فرزند با سازگاری اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. نگرش مذهبی دانش‌آموزان پسر فرزند جانباز نسبت به دانش‌آموزان پسر افراد عادی قوی‌تر بود، اما بین دانش‌آموزان دختر تفاوت معناداری مشاهده نشد. هم‌چنین بررسی سازگاری اجتماعی فرزندان در هر دو گروه نشان داد که رابطه پدر-فرزند و نگرش مذهبی دانش‌آموزان نقش مهم و اساسی در سازگاری اجتماعی آنان دارد. در پایان هم سویی و ناهم سویی یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین مورد بحث واقع شده است.

واژگان کلیدی: نگرش مذهبی، رابطه پدر-فرزند، سازگاری اجتماعی، جانباز.

خانواده، به عنوان رکنی مهم در رشد و اعتلای شخصیت انسان همواره مطرح بوده است. در بحث آسیب‌شناسی خانواده می‌توان به عوامل مختلفی اشاره کرد که عموماً یا به شرایط محیطی برمی‌گردند و یا به روابط بین اعضای حاضر در خانواده. یکی از عوامل آسیب‌رسان به ساختار خانواده، معلولیت یکی از اعضای خانواده می‌باشد. معلولیت می‌تواند در اثر حوادثی همچون جنگ ایجاد شده باشد که گاه عضو فعال، ارشد و دلسوز خانواده، یعنی پدر، را متأثر می‌سازد و فرزندان نیز با تأثیر پذیری از این مسئله، دچار مشکلات جدیدی می‌شوند. جنگ، مجروحانی به جای می‌گذارد که گاه آنان را در دوره‌ای از زندگی یا برای همیشه با مشکلات جسمانی - روانی مواجه می‌سازد. این مشکل پیامدهای روانی و رفتاری متعددی برای فرد جانباز و دیگر اعضای خانواده او به همراه دارد.

اولین بار عوارض ناشی از جنگ در جنگ‌های داخلی آمریکا (۱۸۶۱-۱۸۶۵) مورد توجه قرار گرفت. در این جنگ پزشکان، اختلال‌های هیجانی غیر روان‌پریشی^۱ را تحت عنوان نوستالوژی^۲ یا غم غربت مطرح کردند و معتقد بودند که این اختلال به طور عمده در اثر دوری از محیط خانواده در افرادی ظاهر می‌شود که شخصیت مناسبی برای تطابق با مقتضیات زمان جنگ ندارند (کاپلان، فریدمن و سادوک^۳، ۱۹۸۰). شروع جنگ جهانی اول، مفهوم «اختلال تنیدگی پس‌ضربه‌ای (PTSD)^۴» را به طور نزدیکی در ارتباط با تاریخ جنگ قرار داد. تعداد قابل توجهی از سربازان شرکت‌کننده در این جنگ از موج انفجار رنج می‌بردند. در زمان وقوع این جنگ (۱۹۱۴-۱۹۱۸) پزشکان انگلیسی و فرانسوی اصطلاحات تشخیصی روان‌رنجوری جنگ^۵ و شوک انفجار^۶ را به کار بردند. در حقیقت به کار بردن اصطلاح شوک انفجار ناشی از این تحلیل بود که انفجار گلوله‌های توپ موجب تغییرات فشارجوی و تولید گاز

1. Non-Psychosis
Sadock

2. nostalgia

3. Kaplan, Freedman,

4. Post Traumatic Stress Disorder

5. war neurosis

6. shell shock

منواکسید کربن می‌شود و در نتیجه به آسیب عضوی مغز منجر می‌شود و به صورت اختلال روانی تجلی می‌کند (کاپلان و همکاران، ۱۹۸۰).

در پژوهشی نامداری (۱۳۶۸) در مورد نوع و میزان مشکلاتی که جانبازان با آن مواجه هستند، دریافت آنها (چهل نفر از جانبازان جنگ ایران و عراق با دامنه سنی ۱۹ تا ۵۸ سال) از مشکلات زیر در رنج بودند: گوشه‌گیری و انزواطلبی، افسردگی، بی‌حوصلگی، دلهره و اضطراب، حساسیت، ترس از آینده، احساس ناتوانی و وابستگی، احساس خجالت درونی، احساس گناه و حقارت، احساس بی‌کفایتی و بیهودگی، احساس جدایی از اجتماع، اختلال‌های خواب، عدم اعتماد به نفس، کم‌اشتهایی و احساس عدم پذیرش اجتماعی.

پارسونز، کهل و اوئن^۳ (۱۹۹۰) در بررسی میزان مشکلات رفتاری در کودکانی که پدرانشان در جنگ ویتنام شرکت کرده بودند و دچار اختلال PTSD بودند، با استفاده از یک فهرست بازبینی رفتاری و اجرای آن روی ۱۰۷ نفر سرباز باتجربه و ۱۹۱ نفر از فرزندان آنها، فقدان خودکنترلی، پرخاشگری و بیش‌فعالی و بزهکاری را در فرزندان گزارش کرده‌اند.

مک‌کوبین^۲ و همکارانش (۱۹۷۴، نقل از فرشیدفر، ۱۳۷۱) در پژوهشی که درباره اثرات جدایی و پیوستن مجدد رزمنده به خانواده انجام دادند، تنیدگی‌های شدیدی را گزارش می‌کنند. آنها مشاهدات خود را چنین اظهار می‌دارند: زمانی که رزمنده نزد خانه‌اش باز می‌گردد، قبول اعضای این ساختار جدید خانواده برای او سخت به نظر می‌رسد و ذهنیت‌های عالی را پیدا می‌کند. برای مثال، ممکن است اعضای این نظام و ساختار جدید در غیاب رزمنده آموخته‌اند که همه مسئولیت‌ها و وظایف او را به خوبی انجام دهند. این موضوع برای وی تنیدگی شدیدی را ایجاد کند. مک‌کوبین و همکارانش به این نتیجه رسیدند که علت اصلی ایجاد این گونه فشارهای روانی رقابت‌ها، دخالت‌ها و اعمال نظرهایی است که بین رزمنده و اعضای خانواده‌اش به وجود آمده است. این وضعیت گاه آنقدر شدت می‌یابد که رزمنده خود را غریبه می‌پندارد. زیرا اعضای خانواده به نظرات و خواسته‌های او بها نمی‌دهند و به اصطلاح معمول «حرف او را دیگر نمی‌خوانند».

فیربنک، شنگر و کادل^۱ (۱۹۹۳) در بررسی تأثیر مشکلات جسمی و روانی پدر روی فرزندان خاطر نشان می‌سازد که کودکان سربازان ویتنامی نیز همانند پدران خویش به نشانه‌های اضطراب مبتلا بودند. دبره، تورنر و رومن^۲ (۱۹۹۳) در مطالعه سازگاری کودکانی که والدین آن‌ها دچار درد مزمن بودند، در گروه نمونه‌ای مشتمل بر ۳۵ نفر با دامنه سنی ۶ تا ۱۶ سال نشان دادند کودکان این گروه از والدین، مشکلات رفتاری بیشتر و شایستگی اجتماعی کمتری دارند.

باتوجه به نتایج پژوهش‌های فوق می‌توان گفت جنگ و عواقب آن، علاوه بر تأثیر منفی بر فرد رزمنده یا مجروح جنگی، خانواده و فرزندان او را آسوده نمی‌گذارد و حتی سالیان پس از اتمام جنگ نیز می‌توان به طرق مختلف شاهد عوارض و عواقب آن بود.

ویسمه (۱۳۷۹) در بررسی میزان افسردگی در فرزندان (پسر) جانبازان و ارتباط آن با نوع جانبازی پدران و نحوه ارتباط با پدرانشان با استفاده از تست افسردگی بک و پرسشنامه نحوه ارتباط پدر - پسر بر روی ۱۲۰ نفر از فرزندان پسر جانبازان شهر تهران به این نتیجه رسید که بین میزان افسردگی پسران جانبازان دارای نقص بینایی با پسران جانبازان ترکش خورده تفاوت معناداری وجود دارد. هم‌چنین بین افسردگی پسران جانبازان دارای نقص بینایی با میانگین افسردگی پسران جانبازان ترکش خورده و اعصاب و روان و شیمیایی تفاوت معنادار وجود دارد. بین افسردگی پسران جانبازانی که با پدرشان ارتباط قوی داشتند با افسردگی پسران جانبازی که با پدرشان ارتباطی ضعیف داشتند، تفاوت معناداری وجود داشت؛ که گروه اول افسردگی کمتری داشتند.

تأمین سلامت روانی فرزندان از سوی خانواده و اجتماع امری است که در دنیای کنونی با مسایلی روبه‌رو شده است و عوامل تأثیرگذار زیادی در این خصوص نقش تعیین‌کننده دارند. از آنجایی که نوجوانان و جوانان از منابع مختلفی تأثیرپذیر هستند، نمی‌توان ادعا کرد که همه عوامل تأمین‌کننده سلامت روانی ایشان قابل تشخیص است. سازگاری اجتماعی فرزندان نیز از جمله مؤلفه‌های سلامت روانی می‌باشد. بنابراین یکی از سئوال‌های پژوهش مقاله حاضر این بوده است که چه رابطه‌ای بین روابط پدر- فرزندی با سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و عادی وجود دارد؟

1. Fairbank, Schneger & Caddell

2. Deboeh, Turner & Romano

از طرفی نگرش مذهبی و مذهب، دو عاملی هستند که می‌توانند با سازگاری اجتماعی نوجوانان و جوانان در ارتباط باشند. پس سؤال دیگر این است که چه رابطه‌ای بین نگرش مذهبی و سازگاری اجتماعی فرزندان جانبازان و غیرجانبازان وجود دارد؟ یکی از مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است نشان داده اگرچه گروه هم سالان و دوستان نقش بسیار مهمی در گرایش به سمت بزهکاری ایفا می‌کنند، عامل مذهب نیز به نوبه خود سهم مهمی در جلوگیری از گرایش به سوی بزهکاری دارد (چادویک و تاپ^۱، ۱۹۹۳). در مطالعه لو و هاندال^۲ (۱۹۹۵) روی گروه نمونه ۵۰۰ نفری دانشجویان از سه دانشگاه مختلف، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه آشکار ساخت که ابعاد متفاوت نگرش مذهبی پیش بینی کننده‌های معناداری برای مقیاس‌های فرعی سازگاری دانشجویان بودند. هم‌چنین دانشجویان دختر و پسر از نظر نگرش مذهبی تفاوت معناداری داشتند، که دانشجویان دختر نمرات بالاتری نسبت به پسران داشتند.

باتوجه به مطالب پیش‌گفته هدف از پژوهش حاضر تعیین ارتباط نگرش مذهبی و رابطه پدر فرزندی با سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و عادی شهر تهران بوده است.

روش‌شناسی پژوهش

طرح تحقیقی این پژوهش از نوع پس‌رویدادی علی‌مقایسه‌ای و جامعه آماری آن را دانش‌آموزان دختر و پسر خانواده‌های جانبازان و غیر جانبازان در سال‌های اول، دوم و سوم (به ترتیب ۴۱/۹٪، ۳۰/۱٪ و ۲۵/۸٪) دبیرستان‌های شهر تهران تشکیل می‌دهند. نمونه آماری پژوهش حاضر ۴۸۰ دانش‌آموز است که ۲۴۰ نفر فرزند جانباز (۵۰ درصد پسر و ۵۰ درصد دختر) و ۲۴۰ نفر فرزند غیرجانباز (۵۰٪ پسر و ۵۰٪ دختر) و برپایه روش نمونه‌گیری خوشه‌ای است. بدین صورت که از بین مناطق ۱۹ گانه تهران، پنج منطقه به طور تصادفی انتخاب شدند. این مناطق از شمال، جنوب، مرکز، غرب و شرق تهران برگزیده شدند. ذکر این نکته ضروری است که در هر منطقه آموزشی، یک مدرسه شاهد و ایثارگر وجود دارد و پژوهشگران ناگزیر بودند که کلیه دانش‌آموزان فرزند جانباز را مورد بررسی قرار دهند. نمونه

1-Chadwick & Top

2.Low & Handal

گیری فرزندان غیرجانبا نیز به این شکل انجام شد که به تعداد دانش آموزان فرزند جانبا هر منطقه فرزندان غیرجانبا از همان منطقه به صورت تصادفی انتخاب شدند.

ابزارهای اندازه‌گیری

برای بررسی متغیرهای مورد نظر در این پژوهش از سه ابزار استفاده شد:

۱- پرسشنامه رابطه پدر-فرزندی: این پرسشنامه ۲۰ سوالی نوع رابطه پدر-فرزندی را می‌سنجد. این پرسشنامه قبلاً^۱ توسط ویسمه (۱۳۷۹) تنظیم و استفاده شده است. روایی^۲ پرسشنامه بر اساس روایی محتوایی و نیز روایی صوری مناسب و قابل قبول است. این روایی توسط پنج نفر از اعضای متخصص (دو نفر متخصص روان‌سنجی و سه نفر با تخصص روان‌شناسی) مورد بررسی قرار گرفت. پایایی^۳ پرسشنامه نیز با روش انسجام درونی سوالات پرسشنامه و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. در گزارش ویسمه (۱۳۷۹) ضریب آلفای کرونباخ برابر با $a = 0.83$ گزارش شده است. این مقدار بالاتر از ۷۰ درصد و نشان دهنده انسجام و همبستگی درونی بسیار خوب است. در مطالعه مقدماتی، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه در گروه نمونه ۴۸ نفری برابر با $a = 0.70$ بود که نشان می‌دهد سوالات از انسجام و همبستگی مطلوبی برخوردارند.

۲- مقیاس سازگاری اجتماعی آزمون شخصیت کالیفرنیا (CTP): این آزمون نیمرخ سازگاری اجتماعی فرد را اندازه‌گیری می‌کند که توسط تورپ، کلارک، و تیگز^۱ (۱۹۵۳) منتشر شده است. آزمون دارای پنج سطح سنی پیش دبستانی، دبستانی، راهنمایی، دبیرستانی و بزرگسالی است که سطح دبیرستانی آن در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت. مقیاس سازگاری اجتماعی آزمون دارای شش خرده مقیاس قالب‌های اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی گرایش ضد اجتماعی، روابط خانوادگی، روابط مدرسه‌ای و روابط اجتماعی است. هر خرده مقیاس دارای ۱۵ سوال است که در مجموع شامل ۹۰ سوال می‌شود. پاسخ به سوالات آزمون به صورت بلی یا خیر است. در دفترچه راهنمای آزمون در خصوص روایی آن بیان شده که سوالات آزمون بر اساس قضاوت معلمان، مدیران و واکنش دانش‌آموزان انتخاب شده است.

1-Thorpe, Clark & Tieg

پایایی آزمون نیز به وسیله دو نیمه کردن آزمون با روش اسپیرمن براون برای خرده مقیاس‌های سازگاری اجتماعی از ۰/۸۷ تا ۰/۹۰ a گزارش شده است که نشان دهنده انسجام درونی و پایایی مناسب مقیاس‌های می‌باشد.

۳- پرسشنامه نگرش مذهبی: برای اندازه‌گیری نگرش مذهبی دانش‌آموزان گروه نمونه از پرسشنامه نگرش مذهبی خدایاری فرد و همکاران (۱۳۷۸) استفاده شد. این پرسشنامه در اصل دارای ۴۲ سوال است که برای دانشجویان تنظیم شده است. در این پژوهش با بررسی به عمل آمده یک سوال - که بالاتر از سن دانش‌آموزان برآورده شده بود- حذف و پرسشنامه با ۴۱ سوال نهایی شد. پاسخگویی به سوالات پرسشنامه در قالب لیکرت پنج‌درجه‌ای کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم انجام می‌شود.

روایی پرسشنامه با روایی همزمان برآورده شده است. به این شکل که ضریب همبستگی سوالات نگرش مذهبی با سوالات ارزیابی میزان مذهبی بودن از نظر خود، خانواده، دوستان، همکلاسی‌ها، استادان و افراد غیر آشنا و سایر مردم محاسبه شده که مقدار آن از ۰/۳۲ تا ۰/۵۷ r گزارش شده است. این مقدار ضریب نشان دهنده همبستگی مثبت و معناداری بود. پایایی پرسشنامه نیز با ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵ a ؛ با روش تنصیف و اسپیرمن براون برابر با ۰/۹۳ r و فرمول گاتمن ۰/۹۲ r گزارش شد که نمایانگر پایایی مطلوب و مناسبی است.

شیوه اجرا

اجرای نهایی این پرسشنامه‌ها بدین صورت بود که در ابتدا دانش‌آموزان مورد مطالعه هر مدرسه در یک کلاس گردهم آورده می‌شدند و سپس آزمونگرهدف از اجرای این آزمون‌ها را برای دانش‌آموزان توضیح می‌داد. پس از جلب اطمینان لازم و ایجاد رابطه خوب با دانش‌آموزان و ارائه دستورالعمل‌های

لازم برای تکمیل پرسشنامه‌ها از دانش‌آموزان خواسته می‌شد که در ابتدا در مرحله اول به پرسشنامه‌های پدر - فرزندی و رفتار اجتماعی پاسخ دهند و پس از یک پذیرایی مختصر به پرسشنامه نگرش اعتقادی جواب دهند. پس از گردآوری داده‌های پژوهش، داده‌ها کدبندی شده و پس از ورود به رایانه و آزمایش آن‌ها بوسیله نرم‌افزار SPSS پردازش شدند. برای پردازش داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس چندگانه و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد که میانگین و انحراف معیار رابطه پدر-فرزندی در کل برابر با $M=56/9$ و $SD=8/78$ است که به حداکثر نمره آن، یعنی ۸۰ تقریباً نزدیک است و نشان می‌دهد که در مجموع رابطه پدر-فرزندی گروه مورد مطالعه در حد مطلوب و مناسبی است. میانگین و انحراف معیار رابطه پدر-فرزندی گروه والدین جانباز ($M=57/84$) بالاتر از والدین گروه غیر جانباز ($M=55/88$) و بیانگر آن است که رابطه بین جانبازان و فرزندانشان مطلوب‌تر از رابطه پدر-فرزندی افراد غیر جانباز می‌باشد. میانگین و انحراف معیار نگرش مذهبی دانش‌آموزان برابر با $SD=7/27$ و $M=106/7$ است که با در نظر گرفتن حداکثر نمره آن، یعنی ۱۵۵، مشخص می‌شود که نگرش مذهبی دانش‌آموزان بالاتر از حد متوسط بوده و دارای نگرش مذهبی نسبتاً قوی هستند. میانگین و انحراف معیار نگرش مذهبی فرزندان جانباز ($SD=6/9$ و $M=107/30$) قوی‌تر از نگرش مذهبی فرزندان غیر جانباز $SD=7/8$ و $M=106/16$ می‌باشد. میانگین و انحراف معیار سازگاری اجتماعی در زمینه قالب‌های اجتماعی برابر با $SD=2$ و $M=13/01$ است که به حداکثر نمره مقیاس یعنی ۱۵ بسیار نزدیک می‌باشد مبین آن است که دانش‌آموزان معیارها و ملاک‌های قابل قبول جامعه خود را پذیرفته و آن را به درستی درک کرده‌اند. این میانگین در بین دانش‌آموزان گروه جانباز بالاتر از دانش‌آموزان گروه غیر جانباز می‌باشد. میانگین و انحراف معیار مهارت‌های اجتماعی برابر با $SD=2/36$ و $M=9/3$ است و از نمره حداکثر، یعنی ۱۵، فاصله دارد. این مقدار بیانگر آن است که میزان مهارت‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان در حد بالاتر از متوسط قرار دارند و تفاوت چندانی بین دانش‌آموزان گروه جانباز و

غیرجانباز وجود ندارد. میانگین و انحراف معیار گرایش ضداجتماعی برابر با $SD= 1/78$ و $M= 9/4$ است که از حداکثر آن، یعنی ۱۵ پایین تر است؛ اما این مقدار بالاتر از حد متوسط آن است و نشان می‌دهد که گرایش ضداجتماعی دانش‌آموزان پایین است، زیرا هرچه نمره پایین تر باشد گرایش ضداجتماعی بالاتر است. میانگین و انحراف معیار روابط خانوادگی برابر با $SD= 2/98$ و $M= 9$ است که از حداکثر آن، یعنی ۱۵ پایین تر است. این مقدار در حد مطلوب و مناسبی است و از حد متوسط بالاتر است و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان به روابط و علایق خانوادگی پایبند هستند. این میانگین در دانش‌آموزان گروه جانباز بالاتر از گروه غیر جانباز است ($M= 8/65$ عادی و $M= 9/36$ جانباز). روابط مدرسه‌ای دانش‌آموزان دارای میانگین و انحراف معیار $SD= 2/26$ و $M= 8/5$ است. در مقایسه با سایر زمینه‌های سازگاری اجتماعی پایین‌ترین نمره زیر مقیاس روابط مدرسه‌ای می‌باشد و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان علاقه چندانی به مدرسه ندارند و از بودن با دانش‌آموزان دیگر خیلی لذت نمی‌برند و تکالیف مدرسه را مناسب با علایق و استعدادهای خود نمی‌دانند. تفاوت چندانی بین دانش‌آموزان گروه جانباز و غیر جانباز ملاحظه نمی‌شود. روابط اجتماعی دانش‌آموزان دارای میانگین و انحراف معیار $2/57$ و $SD= 8/2$ است که در این زیر مقیاس هم مشخص می‌شود که دانش‌آموزان چندانی از فعالیت‌های اجتماعی و روابط با افراد جامعه لذت نمی‌برند. و این میزان در بین دانش‌آموزان غیر جانباز بیشتر از دانش‌آموزان گروه جانباز می‌باشد ($M= 7/91$ عادی و $M= 8/58$ جانباز). در مجموع، میزان سازگاری اجتماعی برابر با میانگین و انحراف معیار $SD= 8/33$ و $M= 58/14$ است که از حداکثر آن ۹۰، زیاد پایین نیست و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دارای سازگاری اجتماعی مناسب و مطلوبی هستند و این سازگاری اجتماعی نزد دانش‌آموزان گروه جانباز بالاتر از دانش‌آموزان غیر جانباز است.

برای تعیین ارتباط بین نگرش مذهبی با سازگاری اجتماعی، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. خلاصه نتایج ضریب همبستگی پیرسون نگرش مذهبی دانش‌آموزان با سازگاری اجتماعی

متغیر آماری	قالب‌های اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی	گرایش ضداجتماعی	روابط خانودگی	روابط مدرسه‌ای	روابط اجتماعی	سازش اجتماعی
ضریب همبستگی	۰/۲۵*	۰/۱۰*	۰/۰۵	۰/۱۹**	۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۱۷*

							(r)
۳۳۳	۴۸۱	۴۲۳	۴۱۶	۴۱۸	۴۱۳	۴۳۱	تعداد (n)
۰/۰۱	۰/۷	۰/۱	۰/۰۱	۰/۲	۰/۰۵	۰/۰۱	سطح معناداری (p)

**p</01 *p</05

طبق یافته‌های جدول ۱ نگرش مذهبی با قالب‌های اجتماعی ($r=0/25$ و $p<0/01$)، مهارت‌های اجتماعی ($r=0/19$ و $P<0/01$)، و روابط خانوادگی ($r=0/19$ و $P<0/01$) همبستگی مثبت معناداری دارد. اما بین نگرش مذهبی با گرایش ضداجتماعی، روابط مدرسه و روابط اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. در مجموع، بین نگرش مذهبی با سازگاری اجتماعی همبستگی معناداری ($r=0/17$ و $p<0/01$) وجود دارد؛ به نحوی که دانش‌آموزان با نگرش مذهبی بالاتر سازگاری اجتماعی بهتری دارند و این سازگاری در زمینه‌های قالب‌های اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و روابط خانوادگی بیشتر است.

برای تعیین ارتباط بین رابطه پدر-فرزندی با سازگاری اجتماعی فرزندان نیز ضریب همبستگی پیرسون آنها محاسبه شد (جدول ۲)

جدول ۲. خلاصه نتایج ضریب همبستگی پیرسون رابطه پدر-فرزندی با سازگاری فرزندان

متغیر آماری	قالب‌های اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی	گرایش ضداجتماعی	روابط خانوادگی	روابط مدرسه‌ای	روابط اجتماعی	سازش اجتماعی
(r)	۰/۲۴*	۰/۱۶**	۰/۱۸**	۰/۴۵**	۰/۰۶	۰/۱۱*	۰/۳۳**
(n)	۴۰۰	۳۸۸	۳۸۹	۳۹۰	۳۸۶	۳۷۱	۳۱۲
(p)	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۲۵	۰/۰۵	۰/۰۱

*p<0/05 **p<0/01

طبق نتایج به دست آمده از جدول ۲، در رابطه با بررسی ارتباط بین روابط پدر-فرزندی با سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و غیرجانباز مشخص شد که بین رابطه پدر-فرزندی با پذیرش قالب‌های اجتماعی ($r=0/24$ و $p<0/01$)، مهارت‌های اجتماعی ($r=0/16$ و $p<0/01$)، گرایش اجتماعی ($r=0/18$ و $p<0/01$)، روابط خانوادگی ($r=0/45$ و $p<0/01$) و روابط اجتماعی ($r=0/11$ و $p<0/05$) و سازش اجتماعی ($r=0/33$ و $p<0/01$) همبستگی مثبت معناداری وجود دارد.

($r=0/11$) همبستگی مثبت معناداری وجود دارد؛ بصورتی که با افزایش و بهبود رابطه پدر-فرزندی، سازگاری اجتماعی در زمینه‌های قالب‌های اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، گرایش اجتماعی، روابط خانوادگی و روابط اجتماعی نیز بهبود می‌یابد. در مجموع، رابطه پدر-فرزندی دارای همبستگی مثبت معناداری ($r=0/33$ و $p<0/01$) با سازگاری اجتماعی است؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان دارای رابطه پدر-فرزندی مناسب، از سازگاری اجتماعی مطلوبی هم برخوردارند؛ به ویژه این رابطه در زمینه روابط خانوادگی بیشتر است.

پس از مشخص شدن ارتباط بین نگرش مذهبی و رابطه پدر-فرزندی با سازگاری اجتماعی به منظور تعیین همبستگی چندگانه این دو متغیر از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ موجود است.

جدول ۳. رگرسیون چند متغیره سازگاری اجتماعی بر اساس متغیرهای پیش بین

ترتیب ورود	متغیر	R	R ²	S.S	DF	MS	F	P	B	SE B	T	P
۱	رابطه پدر-فرزندی	۰/۳۳	۰/۱۱	۲۰۵۹/۴۸	۱	۲۰۵۹/۴۸	۳۲/۱۸	۰/۰۱	۰/۳۳	۰/۰۶	۵/۲	۰/۰۰۱
۲	نگرش مذهبی	۰/۳۵	۰/۱۳	۲۳۶۸/۲	۱	۱۱۸۴/۱۲	۱۸/۷۸	۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۰۷	۲/۲	۰/۰۰۵
	عدد ثابت								۲۱/۶۲	۸	۲/۶۹	۰/۰۱

جدول ۳ نتایج رگرسیون با روش سلسله مراتبی^۱ را ارائه می دهد. در روش سلسله مراتبی در هر مرحله متغیر پیش‌بین براساس ملاک ($F < 0/05$) متغیر وارد تابع و ($F > 0/01$) از تابع خارج می‌شود. اولین متغیری که بر طبق ملاک فوق وارد شده متغیر رابطه پدر-فرزندی است. این متغیر با سازگاری اجتماعی فرزندان دارای همبستگی ($r = 0/33$) بوده و مقدار ضریب تعیین آن برابر با ($R^2 = 0/11$) است که نشان می‌دهد یازده درصد از واریانس سازگاری اجتماعی فرزندان را تبیین می‌کند. نتیجه تحلیل واریانس نشان می‌دهد که ($p < 0/01$ و $F = 32/18$) رابطه پدر-فرزندی با سازگاری اجتماعی دارای رابطه خطی معناداری است. بنابراین، مقدار ضریب پیش‌بینی این متغیر برابر با $B = 0/33$ با خطای $SE B = 0/06$ است که طبق نتیجه آزمون تی ($p < 0/001$ و $T = 5/2$) به طور معناداری سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند.

در مرحله بعدی متغیر نگرش مذهبی وارد تابع شده است، این متغیر به اضافه رابطه پدر-فرزندی مقدار همبستگی را به میزان ($r = 0/35$) افزایش داده و ضریب تعیین آن برابر با ($R^2 = 0/13$) است که نشان می‌دهد که ۱۳ درصد از واریانس سازگاری اجتماعی را همراه با متغیر پیشین تبیین می‌کند. این متغیر طبق نتایج تحلیل واریانس رابطه خطی معناداری ($p < 0/01$ و $F = 18/78$) با سازگاری اجتماعی دارد. بنابراین مقدار ضریب پیش‌بینی نگرش مذهبی ($B = 0/16$) با خطای $SEB = 0/07$ به طور معناداری ($p < 0/05$ و $T = 2/2$) می‌تواند سازگاری اجتماعی را پیش‌بینی کند.

بعد از این مرحله متغیر دیگری وارد تابع نشد و متغیرهای، تحصیلات، سن والدین و جنسیت دانش‌آموز خارج از تابع قرار گرفته است. بنابراین، تابع پیش‌بینی سازگاری اجتماعی در فرزندان جانباز

و غیرجانباز به شرح ذیل می‌باشد و نشان می‌دهد که رابطه پدر-فرزند و نگرش مذهبی در سازگاری اجتماعی فرزندان نقش حساسی را دارد.

$$۲۱/۶۲ + (\text{نمره نگرش مذهبی} * ۱/۱۶۲) + (\text{نمره رابطه پدر-فرزند} * ۰/۳۲۷) = \text{سازگاری اجتماعی}$$

طبق تابع فوق برای افزایش و بهبود سازگاری اجتماعی فرزندان نوجوان بایستی به مسئله رابطه پدر-فرزند و نگرش مذهبی توجه نشان داد و آن‌ها را بهبود بخشید.

گام بعدی در تحلیل یافته‌ها بررسی تحلیل واریانس دو عاملی نگرش مذهبی و روابط پدر - فرزند بر اساس گروه (جانباز و غیرجانباز) و جنسیت (دختر و پسر) بود که نتایج آن به ترتیب در جداول ۴ و ۵ درج شده است .

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل واریانس دو عاملی (ANOVA) نگرش مذهبی بر اساس گروه و جنسیت

منبع تغییر	S.S	Df	MS	F	P
اثر گروه (جانباز و عادی)	۱۷۵/۴۲	۱	۱۷۵/۴	۳/۴۴	۰/۰۶۴
اثر جنسیت	۲۹/۷۸	۱	۲۹/۷۸	۰/۵۸	۰/۴
اثر گروه × جنسیت	۷۱۵/۵	۱	۷۱۵/۵	۱۴/۰۴	۰/۰۱
خطا	۲۲۳۹۷/۶۹	۴۴۰			
کل	۲۳۲۹/۶۴	۴۴۳			

بنابر یافته‌های مندرج در جدول ۴، بین میانگین‌های نگرش مذهبی دانش‌آموزان گروه جانبازان و غیرجانبازان تفاوت معناداری وجود ندارد. هم‌چنین میانگین نگرش مذهبی دانش‌آموزان دختر و پسر نیز تفاوت معناداری باهم ندارد. اما اثر تعاملی گروه با جنسیت در نگرش مذهبی دانش‌آموزان تفاوت معنادار آماری ($p < ۰/۰۱$ و $F = ۱۴/۰۴$) نشان می‌دهد. برپایه نتایج آزمون تعقیبی توکی مشخص شد

که تفاوت معناداری ($P < 0/01$ و $MD = 3/36$) بین نگرش مذهبی دانش‌آموزان پسر دارای پدر جانباز با میانگین ($108/35$) و دانش‌آموزان پسر دارای پدر غیرجانباز با میانگین ($104/5$) وجود دارد. دانش‌آموزان پسر گروه جانباز مذهبی‌تر از دانش‌آموزان پسر گروه غیرجانباز می‌باشند. اما بین میانگین نمرات نگرش مذهبی دانش‌آموزان دختر خانواده جانباز و غیرجانباز تفاوتی وجود نداشت.

جدول ۵. خلاصه نتایج آزمون تحلیل واریانس دوعاملی (ANOVA) روابط پدر- فرزند بر اساس گروه و جنسیت

منابع تغییر	S.S	df	MS	F	P
اثر گروه (جانباز و غیر جانباز)	۳۸۱/۵۲	۱	۳۸۱/۵۲	۵/۰۲	۰/۰۵
اثر جنسیت	۴۵/۴۴	۱	۴۵/۴۴	۰/۵۹	۰/۴۴
اثر گروه × جنسیت	۱۳۵/۵۳	۱	۱۳۵/۵۳	۱/۷۸	۰/۱۸
خطا	۳۰۸۴۸/۶۳	۴/۶			
کل	۳۱۳۷۹/۹۲	۴۰۹			

بر اساس جدول ۵، گروه جانبازان و غیر جانبازان تأثیر معناداری ($p = ۰/۰۵$ و $F = ۵/۰۲$) روی رابطه پدر-فرزند دارد؛ به صورتی که میانگین رابطه پدر-فرزند دانش‌آموزان فرزند جانباز ($M = ۵۷/۸۴$) از دانش‌آموزان فرزند غیر جانباز یا عادی ($M = ۵۵/۹۸$) بالاتر بوده و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان فرزند جانباز با پدران خود رابطه بهتری نسبت به فرزند و پدر خانواده غیر جانباز دارند.

بین دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری از لحاظ رابطه پدر و فرزند وجود ندارد. یعنی دختران و پسران از لحاظ رابطه پدر و فرزند یکسان هستند. تعامل گروه و جنسیت در رابطه پدر-فرزند نیز اثر معناداری ندارد.

پژوهش حاضر ارتباط بین نگرش مذهبی و رابطه پدر فرزندی را با سازگاری اجتماعی فرزندان جانبازان و غیر جانبازان شهر تهران بررسی کرد. یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن بود که سازگاری اجتماعی جامعه مورد مطالعه، یعنی دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم دوره متوسط نظری، بالاتر از حد متوسط و در سطح مناسب و مطلوبی است. این سازگاری، به ویژه در پذیرش قالب‌های اجتماعی مرسوم در جامعه بسیار بالا بوده و نشان داد که دانش‌آموزان نوجوان معیارها و ملاک‌های قابل قبول جامعه خود را پذیرفته و آن را به درستی درک کرده‌اند. این یافته از این جهت مهم است که سازگاری اجتماعی یکی از عوامل مهم در فرایند اجتماعی شدن در دوره نوجوانی محسوب می‌شود. اجتماعی شدن فرایندی است که کودکان و نوجوانان به کمک آن، ارزش‌ها، اعتقادات و معیارهای رفتاری را که فرهنگشان از آنان انتظار دارد را می‌آموزند.

مقایسه توصیفی سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و غیر جانباز مبین آن بود که فرزندان جانبازان نمرات نسبتاً بالاتری نسبت به فرزندان خانواده‌های غیر جانباز داشتند و تفاوت در شش مقیاس سازگاری اجتماعی مشهود بود. بررسی رابطه پدر-فرزندی در جامعه مورد مطالعه آشکار کرد که رابطه پدر - فرزندی کل جامعه در سطح مطلوبی قرار دارد و این رابطه نزد خانواده‌های جانبازان مطلوب تر از خانواده‌های غیر جانباز بود. چنانچه پیشتر آمد رابطه پدر-فرزندی عاملی مهم در سازگاری روانی- اجتماعی به شمار می‌رود (ویل واک - و بلاک^۱، ۱۹۸۸، جانسون، ۱۹۹۰).

میزان نگرش مذهبی دانش‌آموزان گروه غیر جانباز و فرزندان جانبازان نیز بالاتر از حد متوسط بوده و بیانگر نگرش مذهبی قوی جامعه مورد مطالعه بود. این میزان نیز نزد فرزندان جانبازان بالاتر از فرزندان خانواده‌های غیر جانباز بود.

یافته‌های تحلیلی در خصوص چگونگی رابطه بین نگرش مذهبی با سازگاری اجتماعی فرزندان جانبازان و غیر جانبازان آشکار نمود که نگرش مذهبی همبستگی مثبتی با سازگاری اجتماعی فرزندان جانبازان و غیر جانباز دارد؛ این همبستگی به ویژه در زمینه‌های پذیرش قالب‌های اجتماعی مرسوم در جامعه، کسب مهارت‌های اجتماعی و نیز روابط خانوادگی معنادار بود. این نتیجه با نتایج مطالعات دیز و میرز (۱۹۹۵) و کلوسن (۱۹۹۳)

همسو می‌باشد. یافته‌های هر دو پژوهش فوق نشان می‌داد که نگرش مذهبی با احساس شادی و خوشبختی در زندگی و قابلیت سازگاری در اجتماع ارتباط دارد.

یافته‌های پژوهش در مورد روابط پدر - فرزندی با سازگاری اجتماعی فرزندان خانواده‌های جانباز و خانواده‌های غیر جانباز نشان داد که بین روابط پدر - فرزندی با سازش اجتماعی به طور کلی و نیز سازگاری اجتماعی در حوزه قالب‌های اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، گرایش ضد اجتماعی، روابط خانوادگی و روابط اجتماعی همبستگی مثبتی دارد؛ این یافته با مجموعه یافته‌های پژوهش‌های پیشین از جمله ویل واک و بلاک (۱۹۸۸)، همسو است. ویل واک و بلاک به این نتیجه رسیدند که هر موضوعی که باعث شود رفتار حمایتی پدر کمتر شود و در ارتباط با فرزندان از عصبانیت و تنبیه بدنی بیشتر استفاده کنند رابطه پدر - فرزندی مختل شده و تحت الشعاع قرار می‌گیرد. همچنین در مطالعه ویسمه (۱۳۷۹) نیز مشاهده شد که فرزندان با رابطه پدر - فرزندی قوی از افسردگی پایین‌تری برخوردار بودند؛ در این مطالعه نیز مشاهده می‌شود که فرزندان با رابطه پدر-فرزندی قوی از سازگاری اجتماعی بالاتری برخوردار هستند.

یافته‌های رگرسیون چند متغیری سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان براساس نگرش مذهبی و رابطه پدر-فرزندی دانش‌آموزان آشکار کرد که رابطه پدر-فرزندی و نگرش مذهبی می‌توانند سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان را پیش بینی کنند. طبق این تابع هر چه رابطه پدر-فرزندی قوی‌تر و نگرش مذهبی بالاتر باشد، سازگاری اجتماعی نیز بهتر خواهد بود.

در بررسی میانگین نمرات چهار گروه دختر و پسر مشاهده شد که فرزندان پسر جانباز نسبت به فرزندان پسر غیر جانباز دارای نگرش مذهبی بالاتری هستند. به عبارت دیگر نگرش مذهبی فرزندان پسر جانبازان قویتر از سایر گروه‌ها می‌باشد.

یافته‌های تحلیلی پژوهش مبنی بر متفاوت بودن روابط پدر- فرزندی براساس گروه جانباز و غیر جانباز و جنسیت (دختر و پسر) آشکار نمود که گروه ، یعنی تعلق به خانواده جانباز و خانواده‌های غیر جانباز اثر معناداری در روابط پدر-فرزندی دانش‌آموزان دارد. بصورتی که رابطه پدر - فرزندی دانش‌آموزان فرزند جانباز از دانش‌آموزان فرزند غیر جانباز مطلوب تر است. بنابراین ، رابطه پدر- فرزندی پدران جانباز از پدران غیر

جانباز قوی‌تر و مطلوب‌تر است. این موضوع تفاوتی در فرزندان دختر و پسر ندارد و جانبازان هم با فرزندان دختر و هم با فرزندان پسر خود رابطه پدر-فرزندی مطلوبی دارند.

در این مقاله ضمن ارائه تصویری از وضعیت سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان فرزندان جانباز و عادی و نیز نگرش مذهبی و رابطه پدر-فرزندی آنان نتایج حاصل از یافته‌های نشان داد که رابطه پدر-فرزندی و نگرش مذهبی توان پیش‌بینی و بهبود وضعیت سازگاری اجتماعی فرزندان را به طور معناداری دارا می‌باشد. این دو متغیر ملاک در بین فرزندان جانبازان وضعیت بهتری نسبت به فرزندان خانواده‌های عادی داشت. احتمالاً از این دو خصیصه مطلوب نزد پدران جانباز توانسته است تا حدودی محیط خانوادگی آنان را به سوی آرامش و تعادل روانی سوق داده و از عوارض نامطلوب معلولیت پدر را کاهش دهد. در پایان پیشنهاد می‌شود متغیرهای به کار گرفته شده در پژوهش حاضر عیناً برای فرزندان شهید نیز در یک پژوهش جداگانه انجام شده تا نتایج آن با یافته‌های پژوهش حاضر مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

منابع

خدایاری فرد، محمد؛ غباری بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن (۱۳۷۸). تهیه مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان. گزارش نهایی طرح پژوهشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

ویسمه، علی‌اکبر (۱۳۷۹). بررسی رابطه میزان افسردگی فرزندان جانبازان با نوع جانبازی و نحوه ارتباط با پدران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

Chadwick, Brace A., Top, Brent L., (1993). Religiosity and delinquency among LDS adolescents, *Journal for the Scientific study of Religion*, vol 32, Issue 10.

Deborah, Y. ; turner, A. & Romano, M. (1993). Children of chronic pain patients: risk factors for a mal-adjustment. *pain*, 52 , 311-317.

Fairbank, J. ; schneider, W. & caddell, M. (1993). Post Traumatic Stress Disorder. *comprehensive handbook of Psychopathology* .New York: plenum press.

Kaplan, h. ; freedman, A. M, & sadock, B. (1980). *Comprehensive textbook of Psychiatry* , third edition, London: williams and willing.

Low, Cynthia A., Handal, Paul J. (1995) The relationship between religion and adjustment to college. *Journal of college Student Development*, vol 36(5), pp. 406-412.

Parsons, J. ; Kehle, J. & Owen, V. (1990). Incidence of behavior problems among children of vietnam war veterans. *school Psychology International*, 11 , 253-259.

Thorpe Lewis P., Willy W. Clark, and Ernest W. Tieg, (1953). California test of personality primary. 1953 Revision Monterey, Calif: McGraw-Hill Book Co.

Villwock, D. & Black, K. (1988). Closeness in father-offspring relationships: do differences linked to parental marital status persist in a multivariate approach? *paper presented at annual meeting of the midwestern Psychologic*.

The Relation between Religious attitude and Father-Child Relationship with Social Adaptation among The Wounded War Children's and non-wounded war children's

M. Khodayarifard, P. D

Associate Professor, Faculty of Psychology & Education University of Tehran

Abstract

One of the consequences of war is the wounded, that are afflicted with physical, affective-emotional, behavioral and psychic hurt.

These hurts lead to create behavioral and psychotic problems for the war wounded and his family. One of these problems is vulnerability of their children, especially adolescents who is developing from adolescence into youth. Living at a disturb home for these Iranian offspring's could created irretrievable hurts. Thus, in order to compile educational programs, it is important to investigate and to recognize factors that are associated with social adjustment of these offspring.

objective: The main purpose of this study is to investigate relation between religious attitude and father-child relationship with social adjustment of the wounded war and non-wounded war's offspring's in Tehran.

Method: The current study is ex-post facto research. The statistical population included boys and girls students of the wounded and non-wounded war families that are studing in Tehran highschools (grade 1-3). The sample group involved 480 students (240-240). The measurement tool of this study were following questionnaire: father-child relationship, social adoption of CPI and religious attitude.

Results: Results indicated that there is a positive and significant relation between religious attitude and father-child relationship. The religious attitude of boy's students of the wounded war was stronger than the other group, but hasn't seen this relation among girls students in two groups. The investigating social adjustment of two groups has showed the father-child relationship and student's religious attitude play an important role in social adjustment.

Key words: religious attitude, father-child relationship, the wounded war.